

بره کوچولو

پدر من آورد ...



پدر من آورد

با خودش یک بره

جای او قبلا بود

توی کوه و دره

بره ی نازی بود

زود شد با من دوست

چون به او می دادم

هندوانه با پوست

وقت بازی پر بود

پوزه اش از لبخند

حیف شد چون مردی

کله او را کند

توی گوشم مانده

خنده ی آن بره

رفته روحش حتما

توی کوه و دره